

دعوا سر نخواس

بگیرد بختیار پس از گرفتن رأی اعتماد به مهرآباد آمد پس از آن شاه با اشک با مشایعین خود خداحافظی کرده و به همراه فرح سوار بر هواپیما شدند.

اولین پرده این نمایش آوارگی و مرگ تدریجی شاه از ۲۶ دی ماه ۱۳۵۷ رقم خورد. شاه و فرح با هلیکوپتر به فرودگاه مهرآباد منتقل شدند شاه دو ساعت منتظر ماند تا بختیار از مجلس رأی اعتماد



مصر:

مقصد نهایی شاه در این سفر امریکا بود و اگر بدون توقف بین راه یا بعد از توقف پنج روزه در مصر عازم امریکا می شد گرفتاری های بعدی برای او پیش نمی آمد زیرا امریکایی ها در آن موقع متعهد به پذیرفتن شاه در امریکا بودند.



باهاما:

پس از آنکه موافقت مقامات باهاما (محلی در نزدیکی ایالت فلوریدا امریکا) هم به واسطه پرداخت مبلغ قابل توجهی از حساب شاه نزد بانک راکفلر جلب شد و همراهنش و ۳۶۸ چمدان وسایل شخصی با هواپیمای شخصی ملک حسن به سوی باهاما به راه افتادند. چون وضعیت امنیتی در جزایر توریستی باهاما زیاد مناسب نبود بنا به توصیه راکفلر شاه «ارماو» یک کارشناس روابط عمومی جوان و چند گارد محافظ هم استخدام کرد. نوشته فریده دیبا (مادر فرح) حال و روز شاه را در باهاما این گونه روایت می کند: «اقامت شاه در باهاما اقامتی پرخرج و پر تکیت بود دولت باهاما هم به آنها اخطار کرده بود که حق ندارند هیچ تفسیری در مورد رویدادهای ایران بنمایند.»



مراکش:

پس از اقامت چند روزه در اسوان مصر شاه دعوتنامه ای از ملک حسن دوم پادشاه مراکش دریافت کرد شاه به گمان اینکه این دعوت هم جزئی از توصیه های امریکا برای آرام کردن او ضاع و به امید تغییر شرایط است به این دعوت پاسخ مثبت داد اما با ورود به مراکش شرایط تغییر کرد ملک حسن که به اذعان بسیاری از تاریخ نویسان به طمع ثروت ۵۰ میلیاردی شاه او را به مراکش دعوت کرده بود با این پاسخ شاه رویه رو شد که تمام ثروت او به صد میلیون هم نمی رسد ملک حسن از دعوت خود پشیمان شد و بعد از انقلاب در ایران محترمانه عذر او را خواست.



مکزیک:

راکفلر و کیسینجر توانستند موافقت رئیس جمهور مکزیک را برای اقامت شاه در آن کشور جلب کنند. رابرت ارماو که دقیقاً پست و مقام او مشخص نیست و همه کاره شاه علیل در آن روزها بوده و بسیاری او را به عنوان عامل سیا به شاه معرفی می کردند اما به هر حال شاه که از غلام خان زان خود مطمئن بود و چیزی برای پنهان کردن از امریکایی ها نداشت در استخدام او شکی به دل راه نداده بود. ارماو قبل از شاه برای پیدا کردن محل مناسب اقامت به مکزیک سفر کرد و جایی در شهر توریستی کورناواکا (کوئرتاواکا) در مجاورت مکزیکوسیتی برای اقامت در نظر گرفت. در مورد اقامت در مکزیک فریده دیبا این گونه می نویسد: «اقامت در مکزیک برای محمدرضا زجرآور بود زیرا او باید هر هفته شیمی درمانی می شد اما ما در ویلا گل سرخ روزهای دلچسپی داشتیم در کوئرتاواکا چند نفر از دوستان امریکایی شاه به ملاقاتش می آمدند، هنری کیسینجر، جرال فورد، ریچارد نیکسون، فرانک سیناترا، دیوید راکفلر، الیزابت تیلور و غیره» چهار هفته از اقامت در مکزیک گذشته بود که حال شاه رو به وخامت می نهد ارماو دکتر «بنجامین کین» یکی از پزشکان معروف نیویورک را برای معالجه شاه به مکزیک می آورد این پزشک بنا به گفته فریده دیبا پس از معاینه و مطالعه پرونده پزشکی شاه علاوه بر سرطان پیشرفته و مالاریا، یرقان شدید شاه را تشخیص داد یرقان انسدادی و سپس صراحتاً دکتر «ژرژ فلاندرن» را مسئول پیشرفت سرطان در بدن شاه معرفی می کند. داروهای تجویز شده را نه تنها مفید ندانسته که حتی بعضی از آنها مثل کورتیزن را بسیار مضر دانسته است. این بار نه به توصیه امریکایی ها که به توصیه پزشکان، شاه بار دیگر باید به بیمارستانی مجهز برای مداوا منتقل می شد.



امریکا:

سرانجام کارتر تحت فشار اطرافیان مجبور شد روز ۲۱ اکتبر (۲۹ مهر ۱۳۵۸) اجازه مسافرت شاه و همسرش را به امریکا با ویزای توریستی صادر کند. با اجازه اقامت کوتاه مدتی که برای درمان به شاه داده شده بود شاه با یک هواپیمای کرایه ای شرکت گلف استریم به سمت نیویورک حرکت کرد شاه مکزیک را در حالی ترک می کرد که رئیس جمهور مکزیک خود در دونوبت به او گفته بود «مکزیک را خانه خود بدانید ما در اینجا به شما خوش آمد می گوئیم.» فریده دیبا در مورد ورود به نیویورک این گونه می گوید: «موقعی که در یک فرودگاه ناشناس در فورث لادریل فرود آمدیم هیچکس را منتظر خود نیافتیم، در فرودگاه فقط یک کارشناس امریکایی از اداره بازرسی مواد کشاورزی امریکا منتظرمان بود که همه وسایل ما را بازرسی کرد تا مطمئن شود از مکزیک گل و گیاه یا تخم سبزیجات و میوه همراه خود نیاورده ایم. محمدرضا در آن حال نزار و رنگ پریده که تب شدید هم آزارش می داد گفت: «ببینید روزگار با ما چه کرد؟ در همین امریکا ترومن، اف کندی و کارتر به استقبال من می آمدند و فرش قرمز زیر پام پهن می کردند.» شاه نه در بیمارستان مموریال که برای درمانش در نظر گرفته شده بود بلکه در بیمارستان نیویورک وابسته به دانشگاه کورنل با نام مستعار دیوید نیوسام بستری شد، فرح هم در اتاقی در مجاورت همان اتاق اسکان یافت که با یک در به هم وصل می شدند؛ با تمام تلاش هایی که برای سری نگاه داشتن این مطلب می شد سریعاً این مطلب به رسانه ها کشیده شد.



رئیس جمهور سابق ریچارد نیکسون در پایان دیدار یک روزه با شاه ایران ۲۲ تیر ۵۸

وحشت شاه منبع در آمد

«نمی توانید با یک شام مجانی این مأموران را راضی به حفاظت خود کنید و باید هزینه آنها را سخاوتمندانه بپردازید»

هم برای ترور شاه، شاه از نخست وزیر باهاما تقاضای کمک کرد نخست وزیر هم ۳۰ پلیس زبده را به فوریت به همراه یک پیام فرستاد که

وحشت زائدالوصف شاه هم یکی از وسایل غارت این ثروت شده بود آنچه آن که بعد از اعلام آمادگی حتی چریک های فلسطینی

تسخیر لانه جاسوسی

«آیا این لطف را در حق امریکا می کنید که با پذیرفتن شاه سابق ایران در کشورتان به آزادی گروهان های امریکایی کمک کنید؟» بیشتر کشورها صریحاً جواب رد دادند، تنها کشوری که حاضر شد از شاه میزبانی کند مصر بود که بنا به مصالح امریکا و شاید ترس خود شاه از نزدیک شدن به ممالک اسلامی این پیشنهاد رد شد.

پیش رو نمی بیند اظهار تمایل می کند که به مکزیک بازگردد اما وزارت خارجه آنجا از دادن ویزا به شاه خودداری می کند و این آغازی برای تکاپوی دوباره امریکاییان بود برای یافتن پناهگاهی دیگر برای شاه. از سفرای امریکا در کشورهای محل مأمور پیتشان خواسته شد که با دولت های محل مأموریت خود تماس گرفته از آنان بپرسند:

اقدام دانشجویان و دانش آموزان در تسخیر لانه جاسوسی در چهارم نوامبر (۱۳ آبان ۱۳۵۸) این آرامش کاذب و مقطعی را از شاه می گیرد و این بار دولتمردان امریکایی و بویژه کارتر به تکاپوی خارج کردن شاه از امریکا می افتند تا مگر به این وسیله برای آزادی گروهان های خود بتوانند گشایشی حاصل کنند. شاه که چاره ای دیگر



انتقال به بیمارستان بیماراران روانی ارتش

شاه پس از مرخصی از بیمارستان نیویورک به طور موقت به پایگاه لک لند (نگراس) منتقل شد و در بیمارستانی مخصوص به بیماراران روانی ارتش بستری شد. در این پایگاه بنا به نوشته های فریده دیبا که از زبان فرح می نویسد (فریده دیبا پس از نیویورک از شاه جدا می شود): «رفقار بسیار زنده ای با آنان می شود در یک اتاق با وسایل مندرس اسکان داده می شوند و حتی فرمانده این پایگاه، ژنرال «اکر» مرتب از فرح می خواهد که همبازی تنیس او باشد.» سرانجام تنها کشوری که تحت فشارهای امریکا حاضر به پناه دادن شاه می شود پاناما است.

حاکمی از وضع بد طحال او داشت و اصرار دکتر «کولمن» سرطان شناس و مأمور رسیدگی به وضع شاه بر خارج ساختن طحال او، جراحان کیسه صفرا را او را در آوردند. این مسأله بعداً مشکل ساز شد، چنانچه مسائل مربوط به طحال موجب مرگ او شد.

در ماه های آتی شاه که برای انتقال او از باهاما از کلمه معموله استفاده می شد پس از نام «دیوید نیوسام» نام مستعار پزشکی «پیتر اسمیت» برای او مورد استفاده قرار گرفت.

باچ یک میلیون دلاری

در لحظات اولیه ورود شاه و بستری شدنش رئیس بیمارستان به ملاقات او می آید و از شاه برای کمک به تجهیزات بخش سرطان شناسی بیمارستان و به عنوان شرکت در یک کار خیر تقاضای یک میلیون دلار می کند، شاه که با مرگ دست و پنجه نرم می کرد چاره ای جز جواب مثبت به این باج خواهی نداشت. شاه در این بیمارستان به زیر تیغ جراحان رفت و جراحی شد اما حتی جراحی او هم روندی طبیعی در پیش نگرفت. با وجود اینکه همه آزمایش ها و عکس هایش